

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

روز چهارم ماه ربیع‌الثانی در سال ۱۷۳ هـ ق مصادف است با میلاد سلاله‌ی پاک امام مجتبی علیه السلام، حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام؛ شخصیت بزرگواری که مردم شهر تهران افتخار همجواری ایشان را دارند؛ انسان والامقامی که با چهار واسطه به امام مجتبی علیه السلام می‌رسد. صحابی بزرگواری که محضر سه امام بزرگوار علی‌بن موسی الرضا و محمدبن علی الجواد و علی‌بن محمد الهادی صلوات الله علیهم اجمعین را درک کرده و از محضر آن بزرگواران حقایق نورانی دین را آموخته و کسب کرده است. عالم فرهیخته و بزرگواری که صاحب تألیفات متعددی بوده و همین‌طور محدث بزرگواری که احادیث متعددی را از این سه امام همام که به محضرشان راه یافته، نقل کرده است. به هر حال شخصیت بسیار بزرگواری است. ماجرای عرضی عقایدش را به محضر امام هادی علیه السلام به خاطر دارید و آن صحه‌ای که امام هادی علیه السلام می‌گذارند و می‌فرمایند: به خدا سوگند این همان عقیده‌ی حق است که ما هم بدان معتقدیم؛ و صحه‌ای که حضرت بر شخصیت او می‌گذارند و می‌فرمایند: «أَنْتَ وَوَلِيُّنَا حَقًّا»<sup>۱</sup> تو به حق ولی ما هستی؛ دوست ما هستی! این تاج افتخار بزرگی است که بر سر حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام قرار گرفته؛ شخصیت والامقامی که در مرتبت علمی آن‌قدر بزرگوار است و آنچنان مورد تأیید ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است که وقتی ابوحماد رازی که اهل ری بوده<sup>۲</sup>، راهی طولانی از ری تا

<sup>۱</sup>. صدوق، توحید، ص ۸۱ و مجلسی، بحار، ج ۳، ص ۲۶۸ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

<sup>۲</sup>. رازی یعنی اهل ری.

سامراء را طی می‌کند و خدمت امام هادی علیه السلام مشرف می‌شود تا سؤالاتی را از محضر امام معصوم بپرسد، وقتی به محضر حضرت می‌رسد و از آن بزرگوار مشکلات و سؤالات دینی خود را می‌پرسد و پاسخ سؤالاتش را دریافت می‌کند، حضرت به او می‌فرمایند، ابوحماد از این به بعد لازم نیست تا سامراء بیایی؛ هر وقت مشکلی برایت پیش آمد برو از عبدالعظیم حسنی که در ری است، بپرس و سلام مرا هم به او برسان<sup>۳</sup>؛ یعنی امام هادی علیه السلام او را قائم مقام خودشان می‌دانستند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

۳. «دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عِيسَى مَن رَأَى فَسَأَلْتُهُ عَنْ أَشْيَاءَ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَاجَابَنِي فِيهَا فَلَمَّا وَدَّعْتُهُ قَالَ لِي يَا حَمَادُ إِذَا أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ بِنَاحِيَتِكَ فَسَلْ عَنْهُ عَبْدَ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ وَ أَقْرَأَهُ مِنِّي السَّلَامَ»: محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۷،